

چگونه حکمرانان از خیر «تحول» می‌گذرند!

احمد زیدآبادی

ناصرالدین شاه قاجار روزه گرفتن را «فعلي صعب» میدانست غافل از اینکه روزه‌داری صعب نیست، آنچه صعب و مشقت‌بار است حکمرانی درست است. ظاهراً حکمرانی به چشم ناصرالدین شاه فعلی سهل می‌آمد، چون قرارش نبود که ملك و ملت را به رضایت و نوا و سامانی برساند. هدفش تکیه بر سریر قدرت به اتکای زور فراشانش بود و این به نظرش بسیار سهل می‌آمد. در این روزگار اما حکمرانی در اغلب جوامع، امری پردردسر و طاقت‌فرسا شده است. متقاعد کردن هزاران نهاد و سازمان و حزب و ده‌ها میلیون شهروند پرسشگر و اغلب ناراضی، نسبت به صحت انجام کاری و جوابگو بودن و حساب پس دادن در برابر پیامدهای خواسته و ناخواسته آن، حقا که حوصله و صبر و توان و تواضعی بسیار بالغانه و فراتر از استعداد بشر عادی طلب می‌کند، به همین دلیل نیز حکمرانی مثل گذشته‌های دور، خواستاران زیادی در کشورهای پیشرفته‌تر ندارد. این فقط ما ایرانیان هستیم که مانند برخی دیگر از جوامع همسایه، برای به دست گرفتن زمام قدرت، دست و پا می‌زنیم حال چه لیاقت و صلاحیتش را داشته باشیم و چه از کمترین لیاقت و صلاحیتی در این زمینه برخوردار نباشیم! این موضوع را به تمرکز امکانات مادی و انواع رانتهای سهل‌الوصول در دستگاه دولت نسبت می‌دهند، یا به شیرینی و حلاوت قدرت و منزلت، اما به نظرم ریشه اصلی ماجرا در همان سهل گرفتن امر زمامداری است. کار سهل همراه با برخورداری از ثروت و قدرت و منزلت و شهرت، طبیعتاً برای همه وسوسه‌انگیز استبه خصوص اگر از معضلات و مشکلات کار هم درک درستی وجود نداشته باشد. برای همین است که هرگاه فردی زمام امور را به دست می‌گیرد، ابتدا با خوشحالی و روی باز از مهرورزی و تکریم و تواضع نسبت به مردم سخن می‌گوید و منتقدان را با اصرار و حرارت تمام به نقد عملکرد و برنامه خود فرا می‌خواند و حتی برای‌شان جایزه در نظر می‌گیرد و حل سریع و زمان‌بندی‌شده انبوه مشکلات را وعده می‌دهد؛ اما معمولاً پس از گذشت يك سال که به زمین سفت برخورد می‌کند، به یاد شیوه ناصرالدین شاهی زمامداری می‌افتد.

او در درجه نخست، منتقدان را نسبت به عملکرد خود سخت بی‌انصاف و غرضورز ارزیابی می‌کند. ظاهراً گمان او بر آن بوده که منتقدان در چارچوب مورد نظر او یا با توجه به مجموعه امکانات و محدودیت‌های پیش رویش، آن را به بوته نقد می‌کشند؛ حال آنکه وقتی راه نقد گشوده شود و حاشیه یا ضریبی از امنیت پیدا کند، هر کس از زاویه نگاه و نظام ترجیحات خود، ساز نقادی را کوک می‌کند، حتی اگر پای انصاف هم در میان باشد؛ چه بسا تصمیم یا اقدامی که از منظر عده‌ای از هر جهت مفید و به‌صلاح عموم مردم و کشور باشد، از منظر عده‌ای دیگر تا حد خیانت به کشور ناپسند و بد جلوه کند! بنابراین، نقد اصولاً کنترل‌پذیر نیست؛ اما با مرور زمان به امری عادی و پیش پا افتاده تبدیل می‌شود و نظم و سامان طبیعی خود را پیدا می‌کند. در فقدان زنجیره‌ای از نهادهای مدنی و زیرساخت‌های مادی و ذهنی حافظ فرهنگ نقد و پاسخگویی، تحمل فضای نقد و تلاش برای سامان‌یابی طبیعی آن، افزون بر دید عمیق تاریخی و تجربه گرانبار سیاسی، بردباری و کفّ نفس و کظم غیظ بالایی را می‌طلبد.

این ویژگی‌ها در سطح جهان هم کمیاب است چه رسد به کشور ما که تاریخی انباشته از بی‌تحملی و توسل و اتکای به زور برای حل هر مساله کوچک و بزرگی دارد. این است که فضای نقد، رییس دولت و دیگر قوا را خشمگین می‌کند و از کوره به در می‌برد. هر يك از آنها با خود می‌گویند؛ با جمعی آدم منصف و آگاه به دشواری‌ها روبه‌رو نیستم! همگی یا غرض دارند و غرضشان هم ناکامی و شکست من است یا «سر در آخور» جایی دارند! يك سال تحمل‌شان کرده‌ام و همه نقدهای تند و ناروایی‌شان را بی‌پاسخ گذاشته‌ام، اما دریغ از يك جو انصاف! نه، اینها لایق این وضعیت نیستند. سرچاشان به جایی بند است. اصلاً «آدم بشو» نیستند! باید سر جای خود بنشینند و من خوب بلام چطور سر جای‌شان بنشانم‌شان تا دست‌شان بیاید يك من ماست چقدر کره دارد! همین قدیمی‌ها درست گفته‌اند که تا «نباشد چوب تر فرمان نبرد گاو و خرا!» بعد همه رفتارها و عملکردهایی که قرار بود مورد «تحول» واقع شوند دوباره سرلوحه برخوردها قرار می‌گیرند و دستور و جواز بگیر و ببند صادر می‌شود و این‌بار با شدت و حدتی بیشتر از قبل تا جایی هیچ شبهه‌ای برای کسی باقی نماند که طبق دستکاری قوام‌السلطنه در شعر منوچهری دامغانی، کشتی‌بان را سیاستی دگر آمد. بله، تا بگیر و ببند ممکن باشد؛ حکمرانی فعلی سهل و روزه‌داری فعلی صعب است! حکمرانی در جاهایی صعب است که باید انواع نقدهای منصفانه و غیرمنصفانه و اعتراض‌های روا و ناروا را از هر سو تحمل و مدیریت کرد و پاسخگو هم بود و دم هم بر نیآورد!

منبع: روزنامه اعتماد 12 مرداد 1401 خورشیدی